



## یادداشت

دوران سختی که گذر از آن بدون همبستگی میسر نیست!

صادق کار



اکنون رژیم در حال جستجوی خانه به خانه و شکار آنهایی است که در این اعتراضات و خیزشها شرکت داشته اند، عده‌ای از مردم شرکت کننده در خیزشها کشته شده‌اند، صدها نفر مجروح و مصدوم شده‌اند، هزاران نفر به شمول تعدادی کودک در زندان و اسیر شکنجه گران هستند. اینها را نباید تنها گذاشت. با پیوستن به اعتراضات عرصه را باید چنان بر رژیم ستمگر و جنایتکار تنگ نمود که نتواند بیش از این به جنایات اش ادامه دهد. برای ملت ایران مایه ننگ و شرمساری است که قاتل هزاران تن از عزیزان شجاع و مبارزش رئیس جمهور آنها باشد و دیکتاتور جنایتکار دیگری بنام ولی فقیه بر آنها با ستمگری حکومت کند. باید دست به دست هم داد و این دوره سخت را با همبستگی و هزینه کمتر از سر گذراند.

دوران ۸ ساله دولت روحانی هفته آینده به آخر می رسد و دولت ابراهیم رئیسی جای دولت روحانی را می گیرد. در جمهوری اسلامی تا کنون دولت و مسئولی روی کار نیامده که نسبت به حقوق کارگران و زحمتکشان خیلی متفاوت با سلف خود بوده باشد. حداقل از زمان زمامداری رفسنجانی تا کنون اینطور بوده است. حتی دولتهایی که با نفی و انتقاد از سیاستهای دولت رفسنجانی و سوار شدن بر موج خشم و نارضایتی کارگران و تهی دستان و بیچاره شدگان از دولت رفسنجانی و سیاستهای نئولیبرالی او توانستند ریاست دولت را به دست بگیرند، پس از رسیدن به قدرت دنباله روی سیاستهای رفسنجانی شدند.



هر سه دولتی که بعد از رفسنجانی به قدرت رسیدند به رغم تفاوت‌هایی که با یکدیگر داشتند، از این قاعده مستثنی نبودند. خاتمی با اولویت عدالت اجتماعی همراه با اصلاحات سیاسی کار خود را شروع کرد، اما به محض مستقر شدن همان خطوط اصلی سیاست‌های اقتصادی و ضد کارگری رفسنجانی را در پیش گرفت. خارج کردن کارگاه‌های کمتر از ۱۰ نفر کارگر از شمول قانون کار که در دولت خاتمی به تصویب رسید و عملی شد تنها یک نمونه از اقدامات ضد کارگری دوران خاتمی و در ادامه خارج کردن کارگاه‌های ۳ نفره و ۵ نفره دولتهای قبلی از شمول قانون کار بود. قانونی که در اثر آن اکثریت کارگران کشور از حقوق قانونی خود بکلی محروم شدند. کشتار کارگران خاتون آباد نیز در دوره او انجام شد.

احمدی نژاد نیز با شعار آوردن پول نفت سر سفره‌های مردم و ظاهرًا در جلد مخالف سیاست‌های دولتهای رفسنجانی و خاتمی و با فریب توده‌های فقیری که خود را قربانی سیاست‌های دولتهای رفسنجانی و خاتمی می‌دانستند در دوره نخست به قدرت رسید. با این وجود سیاست‌های به مراتب بدتری را نسبت به کارگران و مزدبگیران از دوران خاتمی در پیش گرفت و با تغییراتی که در قوانین کار و تامین اجتماعی علیه کارگران و به سود سرمایه‌داران به وجود آورد گوی سبقت را از دولت رفسنجانی و خاتمی ربود. تشدید سرکوب تشکلهای و اعتصابات کارگری، منجمد کردن دستمزدها، تغییر هئیت امنای تامین اجتماعی و افزایش تعداد نمایندگان دولت در شورای عالی کار و گماردن جنایتکار فاسد و دزدی مثل سعید مرتضوی بر راس تامین اجتماعی برای تسهیل غارت اموال این سازمان توسط ایادی دولت و حکومت، از اقداماتی بود که در زمان وی صورت گرفت. شکل‌گیری جنبش ۸۸ در واقع واکنشی از جانب توده‌های مردم نسبت به عهد شکنی‌های انتخاباتی و از نتایج سیاست‌های اقتصادی – اجتماعی دولت احمدی نژاد و محافظه کاران مرتجع و هریس حامی او بود.

با وجود افزایش درآمد های نفتی اما نه تنها اثرات آن در سفرهای زحمتکشان ظاهر نشد بلکه سفرهای آنان خالی تر از پیش شد.

دولت فریبکار روحانی نیز با شعار افزایش دستمزدها و به رسمیت شناختن حق تشکل و رعایت حقوق شهروندی و در شرایطی که بیزاری از دولت احمدی نژاد در اوج بود بر بستر نارضایتی شدید مردم از بحران و تحریم های اقتصادی و با وعده داشتن کلید همه مشکلات و فریب مردم به قدرت رسید. با این همه با اتخاذ سیاست‌های نئولیبرالی، بسط خصوصی سازی، گسترش مناطق آزاد اقتصادی و تجاری، منجمد کردن دستمزدها، تشدید سرکوب تشکلهای و فعالین آنها و تغییر قوانین کار و اجتماعی به سود سرمایه داران و گسترش رکود و تورم و بیکاری، گوی سبقت را حتی از دولت احمدی نژاد هم ربود. با این همه اکنون دیگر تنها کارگران و زحمتکشان نیستند که با به قدرت رسیدن دولت رئیسی بازنده این دوره هستند. سایر گروه های اجتماعی و به عبارتی همه مردمی که منافع سوئی در بودن رژیم ندارند، در این دوره آسیب های جدی خواهند دید.

رئیس‌ی نیز با استفاده از همان روشهای روحانی و احمدی نژاد و کمک های بی دریغ بیت خامنه‌ای و همه آن کسانی که پشت سر احمدی نژاد قرار داشتند تبلیغات خود در انتصابات فرمایشی را پیش برد و به رغم تحریم موفق انتصابات توسط مردم به مقام رئیس قوه مجریه بر کشیده شد. او هم مانند رئیس جمهورهای پیشین با وعده، بهبود معیشت مردم، ایجاد اشتغال، تک رقمی کردن تورم، برقراری عدالت و ... به مردم مذبحخانه تلاش کرد آرای آنها



را از آن خود کند، ولی بر خلاف روحانی و احمدی نژاد نا کام ماند. با این همه او با پشتوانه اندکی از مردم از هفته آینده در شرایطی می خواهد دولت اش را معرفی کند که وضعیت عمومی

از هر لحاظ بدتر شده است و علیه او ست. این وضعیت اجرای همه آن وعده‌هایی را که او به مردم داده است نا ممکن تر نموده است. گسترش فوق العاده اعتراضات اجتماعی و کارگری که بلافاصله بعد از انتصاب رئیسی قاتل شروع شد و با خیزش مردم خوزستان همراه شد، حاکی از مخالفت و بی اعتمادی مردم به وی و کل رژیم است. قیمت کالاها ترمز بریده است، کرونا بیداد و کشتار می کند، بحران خشکسالی، تعلیق مذاکرات، کسری بودجه و فقر و فلاکت و موضعگیری های خامنه‌ای بر سر برجام به نارضایتی و اعتراضات مردم دامن زده‌اند و امان مردم را بریده اند. وضعیت معیشت که قرار بود بهتر شود با گرانی شدید نان و دیگر کالاهای اساسی بدتر شده است، تورم با سرعت در حال افزایش است، اعتراضات اجتماعی از هر سو سر بلند کرده‌اند و فریاد مرگ بر دیکتاتور و مرگ بر خامنه‌ای در خیابانهای تهران و دیگر شهرهای بزرگ طنین انداز است. متأسفانه روزهای بسیار سختی پیش روی مردم قرار دارد. روزهایی که با انفعال و سکوت مردم اگر همراه شود عواقب فاجعه باری برای مردم و کشور ببار خواهد آورد. فجایعی که شاید جبران آنها به ده‌ها سال وقت و هزینه‌های باورنکردنی اقتصادی اجتماعی همراه خواهد بود در راهند. عقل و خرد و آینده ما و فرزندان ما حکم می کند که در این روزهای دشوار و آینده ساز نسبت به رویدادها و سر نوشت ساز کشور و مردم مان آن منفعلی و بی تفاوت باقی نمانیم. مردم در خوزستان با خیزش دلاورانه و به حق خود، کارگران نفت با اعتصاب سراسری خود، کشاورزان و دامداران با اعتراضات متعدد خود به مبارزه و اعتراض علیه وضعیت خطرناک کنونی و دفاع از حقوق خود و دیگر شهروندان تحت ستم برخاسته اند. گروه های از مردم در شهرهای مختلف نیز همت نموده و یا به خیزش مردم خوزستان پیوسته‌اند و یا به حمایت از آن و اعتصابات سراسری کارگران نفت برخاسته‌اند. اکنون رژیم در حال جستجوی خانه به خانه و شکار آنهایی است که در این اعتراضات و خیزشها شرکت داشته اند، عده‌ای از مردم شرکت کننده در خیزشها کشته شده‌اند، صدها نفر مجروح و مصدوم شده‌اند، هزاران نفر به شمول تعدادی کودک در زندان و اسیر شکنجه گران هستند. اینها را نباید تنها گذاشت. با پیوستن به اعتراضات عرصه را باید چنان بر رژیم ستمگر و جنایتکار تنگ نمود که نتواند بیش از این به جنایات اش ادامه دهد. برای ملت ایران مایه ننگ و شرمساری است که قاتل هزاران تن از عزیزان شجاع و مبارزش رئیس جمهور آنها باشد و دیکتاتور جنایتکار دیگری بنام ولی فقیه بر آنها با ستمگری حکومت کند. باید دست به دست هم داد و این دوره سخت را با همبستگی و هزینه کمتر از سر گذراند

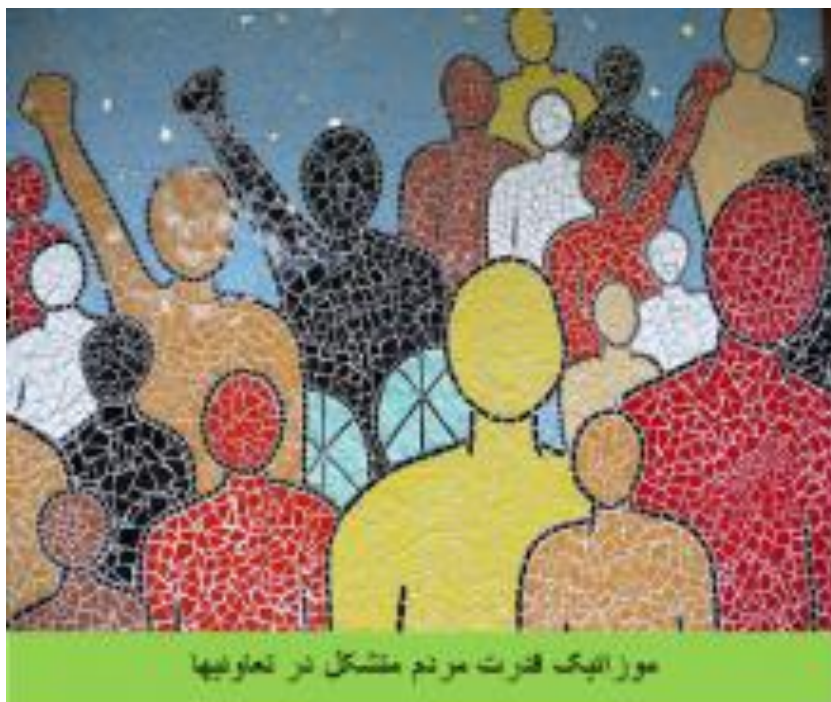
**از خیزش حق طلبانه مردم خوزستان و مطالبات آنان دفاع**

**و سرکوب مردم معترض را محکوم می کنیم!**

**سرکوب مردم خوزستان را متوقف کنید!**

تجربه تعاونی موندراگون بخش هفتم

[خابیر باراندیاران و خاویر لزاون](#)



از سوی دیگر روند مذکور این واقعیت را با صراحت بیشتری آشکار کرده است که حفظ مناسبات و مالکیت تعاونی در داخل غالباً وابسته به تشدید روشهای تولید سرمایه دارانه و بهره کشی از کار در خارج است. این کشاکش پایه ای در حال حاضر در کانون تجربه موندراگون قرار گرفته است. راهی که موندراگون برای رسیدگی به آن پیشه کرده است، هویت آتی جنبش تعاونی موندراگون، و اهمیت آن را برای دیگر تجربیات سازمانگری تعاونی در سراسر جهان تعیین خواهد کرد.

#### 4. بین المللی شدن موندراگون – ادامه

با این حال یک گروه چهارم از کارگران در استخدام موندراگون است که به بهترین وجهی می تواند پیامدهای ناخوشایند بین المللی شدن موندراگون را بیان کند: گروه کارگران شرکتهای تابعه موندراگون، اعم از شرکتهای داخلی یا خارجی. برابر آمار سال 2014، شرکتهای تابعه خارجی بیش از 11000 کارگر را در استخدام خود داشتند. اما این کارگران عضو یک تعاونی وابسته به موندراگون نیستند، یعنی صاحبان سرمایه شرکتهای متبوع خود نیستند و در تصمیم گیریهای شرکت تعاونی مادر نیز مشارکت ندارند. آنها در واقع کارگران مؤسسات سرمایه (یک دهه پیش خاطر نشان Begiristain) و بگریستاین (Errasti)، اراستی (Bakaikoa) داری اند. باکایکا (کردند که "شرایط و مناسبات کار در شرکتهای وابسته به موندراگون با جوهر مناسبات در شرکتهای مادر، یعنی به اصول تعاونی انطباق ندارد، بلکه به شرایط موجود در کشوری که شرکتهای مورد نظر در آن به فعالیت اشغال دارند، بستگی دارد. به عبارت دیگر گسترش تعاونی های موندراگون مثلاً در چین، برزیل یا جمهوری چک، تماماً مبتنی بر مناسبات متعارف سرمایه داری تحقق یافته است. در نتیجه، سیستم موندراگون الگوی سازمانی جدیدی را



مبنتی بر مناسبات کاری و اشتغال دوگانه ایجاد کرده است که در آن، جدا از خود تعاونی ها، شرکت های وابسته با مناسبات متداول سرمایه داری نیز وجود دارند.

فاکتورهای بسیاری ظهور این مدل دوگانه تعاونی - سرمایه داری را توضیح می دهند. فاکتور نخست، این واقعیت که اصول قانونی ای که حاکمیت و مالکیت موندراگون را به موجب قوانین ایالت باسک تضمین می کنند، هیچ نظیری در دستگاه حقوقی خارجی ندارند. به علاوه در برخی موارد کارگران شرکتهای تابعه موندراگون - حتی در مواردی که امکان ایجاد تعاونی و تصاحب شرکت به آنان داده شده است - علاقه کمی نشان داده اند که صاحبان یک تعاونی باشند. این امر از آنان می طلبد که از خودشان سرمایه بگذارند، در مدیریت شرکت مسئولیت، و ریسک ضرر و زیان شرکت را بپذیرند.

تعاونیهای منفرد و گروه موندراگون به طور کل، کوشیده اند مدل حاکمیت خود را در شرکتهای تابعه نیز جاری (تبدیل mixed co-operatives کنند. برخی از تعاونیها این شرکتهای را تشویق کرده اند که به تعاونیهای مختلط) شوند. این اقدام قانونی، که در قانون ایالت باسک در باره تعاونیها نیز تصریح شده، به اعضای یک تعاونی اجازه می دهد که اکثریت آرا را در مجمع عمومی شرکت شان کنترل کنند و در عین حال فضای لام را برای حضور سرمایه گذاران خارجی در مجمع عمومی و در شورای کل فراهم آورند. این کیفیت اساساً امکان می دهد که یک تعاونی مادر یک شرکت وابسته آن شرکت را به تعاونی مختلط تبدیل کند و خود سهامدار [عمده] آن شرکت باشد، و بنابراین سرمایه گذاری اولیه خود را در عین خودمختاری فزاینده شرکت جدید تضمین کند. گروه موندراگون همچنین پذیرش عناصر مدل مدیریت شرکتی خود توسط شرکتهای وابسته را تشویق می کند و در برخی از موارد تعمیم بهترین روشهای حکمرانی را برای شرکتهای سرمایه داری که بخشی از شبکه موندراگون اند، تسهیل کرده است. با این حال این نیز واقعیتی است که تعاونیهای موندراگون توفیق چندانی در اشاعه و صدور ارزشها و مدلهای حکمرانی آن که به آنها هویتی متمایز بخشیده است، نداشته اند. این در حالی است که تعاونیهای مذکور از کارآئی بالائی در صدور تنولوژی و مدلهای مدیریت عملیاتی برخوردار بوده اند. به بیان دیگر بین المللی کردن تولید، قابلیتهای تعاونیهای موندراگون را برای تحقق اصول پایه ای آن در دیگر جوامع نسبت جامعه مبدأ سرعت بخشیده است. در این میان هدف ایجاد یک "شرکت چندملیتی دموکراتیک" دست نیافتنی باقی مانده است.

خلاصه این که بین المللی کردن جنبش موندراگون این جنبش را با مجموعه ای از چالشهای بسیار پیچیده درگیر کرده است. از سوئی این روند شرایط جدیدی را برای موفقیت و گاه حتی بقای تعاونیهای منفرد فراهم آورده است و بسیاری از آنها با پشت سر گذاشتن چالشها خود را با شرایط لازم برای حضور در بازارهای متعدد تولید و توزیع در سراسر جهان تطبیق داده اند. از سوی دیگر روند مذکور این واقعیت را با صراحت بیشتری آشکار کرده است که حفظ مناسبات و مالکیت تعاونی در داخل غالباً وابسته به تشدید روشهای تولید سرمایه دارانه و بهره کشی از کار در خارج است. این کشاکش پایه ای در حال حاضر در کانون تجربه موندراگون قرار گرفته است. راهی که موندراگون برای رسیدگی به آن پیشه کرده است، هویت آتی جنبش تعاونی موندراگون، و اهمیت آن را برای دیگر تجربیات سازمانگری تعاونی در سراسر جهان تعیین خواهد کرد.

## بیمه ی بیکاری برای بیکاران!



دولت موظف است معاش تهی دستان و آسیب دیدگان کرونا را تامین کند!

اعتصاب حق است، قوه قهریه نیست!

صادق



اعتصاب نه قوه قهریه که یک وسیله و حق مسالمت آمیز است که توسط سازمان بین المللی کار ده ها سال است به رسمیت شناخته شده و همه کشورها مکلف به پذیرش این حق شده‌اند. این جزء حداقل چیزهایی است که یک مدیر کل اداره کار اگر رانتی نباشد و با زد و بند چنین شغلی را به دست نیاورده باشد، باید بداند

از آنجا که با قوه قهریه نتایج مطلوبی بدست نمی‌آید و معمولاً "مصطفی کاویانی مدیرکل اداره کار قم گفته است موجب مقاومت واحدهای تولیدی و ضربه به تولید می‌شود طی جلسات متعدد با مدیران واحدهای مشمول و توضیحات لازم ارائه شده است به طوری که از ابتدای سال جاری تا کنون حدود بیست واحد مبادرت به انعقاد قرارداد با طراحان طبقه‌بندی مشاغل کرده‌اند

و در ادامه می‌افزاید، "قوه قهریه" یا در واقع اعتصاب موجب مقاومت واحدهای تولیدی و ضربه به تولید می‌شود. بر اساس گفته ایشان و لایحه مدیریت وزارت کار اعتصاب جزء قوه قهریه و لاجرم در صورت بکار گرفته شدن توسط کارگر بایستی با قوه قهریه متقابل با اعتصابات برخورد شود

اعتصاب نه قوه قهریه که یک وسیله و حق مسالمت آمیز است که توسط سازمان بین المللی کار ده ها سال است به رسمیت شناخته شده و همه کشورها مکلف به پذیرش این حق شده‌اند. این جزء حداقل چیزهایی است که یک مدیر کل اداره کار اگر رانتی نباشد و با زد و بند چنین شغلی را به دست نیاورده باشد، باید بداند



از صحبت‌های مدیرکل روابط کار استان قم روشن می‌شود که ایشان یا سر رشته‌ای از مسئولیتی که به او سپرده شده ندارد و یا اینکه به عمد خودش را به نادانی زده است.

وگر نه چطور می‌شود که مدیر کل کار یک استان معنی و مفهوم اعتصاب را بفهمد و چنین تعبیر ابلهانه‌ای از آن داشته باشد و نداند در مقام مدیرکل حداقل در انظار چنین تعبیری را بکار نبرد.

او ظاهراً به زعم خود راه کار بدیعی برای افزایش دستمزدها به جای اعتصاب کشف کرده است و آن افزایش ۱۰ به دستمزدها از راه تشویق کارفرمایان به اجرای داوطلبانه قانون مسکوت گذاشته شده طبقه بندی مشاغل است. و لابد! پیش خودش هم فکر می‌کند که کارگران از طرح او حمایت و برایش هورا خواهند کشید!

این تصور حاکی از نادانی مدیرکل کار قم در شغلی است که به او سپرده شده. چرا که نمی‌داند طبقه بندی مشاغل مقوله دیگری است و قانون جداگانه خاص خودش را دارد و بحث افزایش دستمزد مربوط به ماده ۷ قانون کار و تبصره‌های آن است. اما گذشته از اینها این آقا یا نمی‌فهمد که یکی از دلایل اعتصابات همین معوق گذاشته شدن و اجرا نشدن قانون طبقه بندی توسط کارفرما بیان است. و یاد خودش را به نفهمی زده است. اجرای قانون طبقه بندی مشاغل یکی از مطالبات اصلی کارگران موسسات مختلف از نفت تا مخابرات در سالهای اخیر بوده است. هم اکنون نیز کارفرماهای بسیاری حاضر نیستند قانون طبقه بندی را به اجرا بگذارند. مقصر اصلی امتناع کارفرمایان از اجرای قانون طبقه بندی بدون تردید وزارت کار و مدیران امثال مصطفی کاویانی‌ها هستند. مقصود از قانون طبقه بندی نیز فراتر از افزایش ۱۰ درصد افزایش دستمزد آنهم در شرایطی است که قیمت کالاها روزانه به صورت سرسام آوری در حال افزایش اند و ارزش دستمزدها نیز با همان سرعت در حال از دست رفتن است. در شرایطی که خط فقر به بیش از ۱۲ میلیون رسیده است و تقاضای مزدی کارگران ۱۲،۵ میلیون تومان است، افزودن ۱۰ درصد به دستمزدها زیر پوشش اجرای طبقه بندی ترفندی جزئی یک کلاهبرداری خالص و فریبکارانه برای امتناع از اجرای درست طبقه بندی و افزایش دستمزد نیست. دلیل اصلی طرح این موضوع توسط جناب مدیرکل هم چیزی به غیر از وجود اعتصابات کارگری دم افزون، یا به قول مدیرکل اداره کار قم "قوه قهریه" و نگرانی مقامات دولتی از اعتصابات نیست. وگر نه چطور می‌شود که پس از ده‌ها سال تعلل عامدانه ز اجرای قانون طبقه بندی مدیران وزارت کار و کارفرمایان که یک قانون شکنی آشکار است، این جماعت قانون شکن یکهو به فکر اجرای کج و معوج قانون طبقه بندی مشاغل افتاده‌اند! آیا این خود نشان نمی‌دهد که اعتصاب همچنان کارآترین وسیله طبقه کارگر برای رسیدن به مطالبات اش است. از همه اینها که بگذریم قانون طبقه بندی مشاغل تنها شامل کارگرانی می‌شود که مشمول قانون کار باشند و تعدادشان در هر کارگاه از ۵۰ نفر کمتر نباشد. بنا بر این عملاً اجرای طبقه بندی تنها عده محدودی را پوشش می‌دهد و قریب دو سوم کارگران ایران را شامل نمی‌شود. اجرای ماده ۷ قانون کار و متعلقات آن نیز گرچه همه کارگران را شامل نمی‌شود ولی تعداد کارگرانی را که پوشش می‌دهد بیشتر از قانون طبقه بندی است. با این همه هیچکدام از آنها جوابگوی افزایش دستمزد نیستند و دستمزدهای زیر خط فقر و بقاء کنونی نتیجه همین قوانین ضد کارگری هستند. با این اوصاف کارگران هیچ وسیله دیگری جز اعتصاب برای افزایش دستمزدهای خود ندارند و با هیچ ترفندی کسی نه می‌تواند، حق اعتصاب را که خود کارگران بصورت نا نوشته بر حکومت و کارفرمایان تحمیل کرده‌اند از آنها بگیرند و نه قادرند جلوی اعتصابات را بگیرند!

**از حق اعتصاب و اعتراضات و مطالبات حق طلبانه کارگران و مزدبگیران حمایت کنیم!**



گذر و نظری بر رویدادهای کارگری هفته

جنگ کارگری



اعتصاب کارگران هفت تپه که از ۱۷ روز پیش در مجتمع صنعتی-کشاورزی هفت تپه با پیوستن کارگران بخشهای مختلف به اعتصاب کارگران بخش دفع آفات شد همچنان ادامه دارد. کارگران اعتصابی در این مدت با کشاندن دامنه اعتصاب خود به خیابانها و مقابل فرمانداری و همچنین انجام راه پیمایی در خیابانهای شهر از خیزش مردم زحمتکش و تحت ستم و تبعیض خوزستان نیز حمایت کردند. اعتصاب هفت تپه بواسطه اقدامات و سخنانی هایی که در آن برای کارگران انجام می گیرد یکی از منسجم ترین و سازمان یافتگی ترین اعتصابات جاری در هفته های اخیر است.

عقب نشینی ناگزیر کارفرمایان در مقابل اعتصاب کارگران پیمانی

بیانیه یازدهم شورای شورای سازماندهی اعتراضات کارگران پیمانی نفت در این هفته منتشر شد. در این بیانیه گزارش مبسوطی از روند اعتصاب و حواشی آن منتشر شده است. بیانیه ضمن تاکید بر حفظ همبستگی از تلاشهایی که توسط کارفرمایان و عوامل مستقیم و غیر مستقیم تشکلهای حکومتی برای ایجاد شکاف در میان اعتصابیون در جریان است و از نقش مخرب آنها در جریان اعتصاب سال گذشته و عواقب زیانبار آن برای کارگران پرده برداشته است و از کارگران خواسته است با انتخاب نمایندگان خود راه سوء استفاده را بر آنها ببندد. در بیانیه همچنین اخبار مربوط به عقب نشینی کارفرمایان در مقابل کارگران اعتصابی اشاره شده و از کارگران خواسته شده که به کمتر از آنچه که خواست عموم اعتصابیون است تن ندهند و دقت نمایند که مدت قراردادها تا اتمام پروژه ها باشد. افزایش دستمزد به دو برابر و مرخصی ۱۰ روز در ماه گفته می شود جزء خواسته هایی هستند که کارفرمایان آنها را پذیرفته اند. در واقع تاکید شورا روی تثبیت دست آوردهای تا کنونی ست.





!در بخش پایانی بیانیه گفته شده: دوستان

ما تا همین جا دستاوردهای مهمی در طول یک ماه اعتصاب خود بدست آورده ایم که هم برای همین امروز و هم برای پیشروی بیشتر و آینده مبارزاتمان مهم هستند. از جمله ما با فشار اعتصاب سراسری خود کاری کرده ایم که پیمانکاران مجبور شوند در جاهایی با پیشنهاد افزایش دوبرابری دستمزد و بیست روز کار و ده روز مرخصی جلو بیاوند و این بر دیگر قراردادهای در سطح سراسری تاثیر میگذارد. ما این گفتار که کمپ ها و غذا باید بهبود یابد را بدرجه زیادی جلو برده ایم و الان به بحث مهمی در درون مسئولین تبدیل شده است و به نظر ما اینها راهی ندارند جز بهبود وضعیت زیستی و شرایط کاری ما کارگران. بعلاوه ما با اعتصابات خود در این دو سال اخیر توانسته ایم فضای امنیتی نفت را بدرجه زیادی بشکنیم و زبان پیمانکاران را کوتاه تر کنیم و این موفقیت ها راه را برای پیگیری مطالبات به حقی که داریم فراهم تر کرده است. مهمتر از همه ما کارگران در این اعتصابات قدرت عظیم خود را تجربه کرده ایم و این ما را در موقعیت بسیار قویتری برای پیگیری مطالباتی که داریم قرار میدهد. خصوصا اینکه ما موفق شده ایم شورای سازماندهی خود را درست کنیم که کارگران سخنگوی واقعی خود را داشته باشند و بالاخره اینکه در جریان یک کشاکش سخت توانسته ایم دست سازشکاران را برای کارگران بیشتر باز کنیم. با اتکاء به این پیشروی ها اعتصاب و اعتراضات خود را در اشکال مختلف به پیش خواهیم برد و تلاش میکنیم خواستهایمان را به کرسی بنشانیم.

خوشحالیم که اعتصاب سراسری ما به نقطه امیدی برای همه تبدیل شده و همبستگی های بسیاری را همراه داشته است و بسیار هم سپاسگزاریم. بطور خلاصه تاکید ما این است که تا زمانی که خواستهای ما پاسخ نگرفته، دست از اعتراض و مبارزه متحدانه بر نخواهیم داشت. این را همه پیمانکاران، مسئولین باید بدانند. زنده باد اعتصاب سراسری کارگران پروژه ای پیمانی نفت.

مرداد ۱۴۰۰ ۳ "

## ادامه اعتراضات کارگران در پایانه های نفتی

اعتراضات کارگران پایانه های نفتی که از چند روز پیش بدنبال پرداخت نشدن دستمزدهای کارگران از پایانه نفتی خارک شروع شده است، روز گذشته نیز ادامه پیدا کرد. خبرگزاری ایلنا در گزارش کوتاهی این اعتراض را بار دیگر "اعتراض به کیفیت بد غذا" اعلام کرد. اما در پارا گراف آخر گزارش خود ظاهرا از زبان کارگران "حقوق" را نیز به غذا اضافه کرد و نوشت:

کارگران روز گذشته (شنبه دوم مرداد ماه) از دریافت غذا خودداری کردند. چرایی وجه تمایز میان نیروهای رسمی و کارگران مشخص نیست؛ ما از مدیران درخواست داریم تا به قشر زحمتکش عملیات دریایی فکر کنند و "حقوق ما را مدنظر قرار دهند

کارکنان شرکت پایانه های نفتی ایران، با انتشار نامه ای، مطالبات خود را برشمردند



به گزارش ایلنا، کارکنان شرکت پایانه‌های نفتی ایران، با ارسال نامه‌ای خواستار بازبینی قانون بودجه و حذف بند " (۷) تبصره ۱۲ به استناد قوانین خاص نفت نسبت به مناطق عملیاتی شدند.

کارکنان پایانه‌های نفتی در بخشی از این نامه، با طرح این پرسش که ملت از کارمند نفت چه انتظاری دارند، یادآور شدند که وظیفه آنها صیانت از ذخایر و ثروت‌های ملی است. آنها سپس پرسیده‌اند: آیا چنین نیرویی برای تامین "دغدغه‌هایش به تامین و رفاه خانواده‌اش نیاز ندارد؟"

## ادامه اعتصاب در هفت تپه

اعتصاب کارگران هفت تپه که از ۱۷ روز پیش در مجتمع صنعتی-کشاورزی هفت تپه با پیوستن کارگران بخشهای مختلف به اعتصاب کارگران بخش دفع آفات شروع شد همچنان ادامه دارد. کارگران اعتصابی در این مدت با کشاندن دامنه اعتصاب خود به خیابانها و مقابل فرمانداری و همچنین انجام راه پیمایی در خیابانهای شهر از خیزش مردم زحمتکش و تحت ستم و تبعیض خوزستان نیز حمایت کردند. اعتصاب هفت تپه بواسطه اقدامات و سخنرانی هایی که در آن برای کارگران انجام می گیرد یکی از منسجم ترین و سازمان یافتگی ترین اعتصابات جاری در هفته های اخیر است. به احتمال زیاد این اعتصاب حداقل تا تغییر دولت و روشن شدن سرنوشت مالکیت کارخانه و مطالبات کارگران ادامه خواهد یافت.

## ادامه اعتراضات همزمان کارگران راه آهن در چند ناحیه

کارگران شرکت "تراوس" که برای راه آهن سراسری کار می کنند، در ۶ مرداد بار دیگر بطور همزمان در ورامین، لرستان، زاگرس و خراسان به دلیل پرداخت نکردن مطالبات مزدی و بلا تکلیفی وضعیت استخدامی شان دست به اعتراض زدند. آنها در تجمعاتی که بهمین مناسبت برگزار کردند، به مسئولین هشدار دادند که اگر زودتر مطالبات شان را پرداخت نکنند و به سایر خواسته هایشان رسیدگی نکنند، جلوی حرکت قطارها را خواهند گرفت.

## ادامه اعتراضات کارگران شهرداری رودبار

کارگران شهرداری رودبار که مدتهاست مطالبات مزدی خود را دریافت نکرده و به نوعی در حالی که معطل نام شب شان هستند به حال خود رها شده‌اند، در پنجم مرداد بار دیگر ناچار به یگانه راهی که پیش روی شان قرار دارد متوسل شدند و با تجمع در محل موتوری شهرداری شهر خواهان پرداخت مطالبات مزدی خود شدند. به گفته کارگران شرکت پیمانکاری که آنها برایش کار می کنند، علاوه بر اینکه دستمزدهای آنها را به موقع پرداخت نمی کند، هیچ یک از مزایای دیگر مزدی حتی دستمزد اضافه کاری را نیز به آنها نمی دهد و پول بیمه‌های کارگران را نیز پرداخت نمی کند. شکایات کارگران به شهرداری و شهردار شهر نیز به گفته کارگران تا کنون نتیجه ای برای آنها نداشته است.



## تجمع حمایتی بازنشستگان از خیزش و در ادامه خواسته‌های مردم خوزستان

در ادامه حمایت‌های گروه‌های کارگری و مردمی از خیزش مردم خوزستان، شماری از بازنشستگان تهران و کرج نیز در پنجم مرداد با برگزاری تجمعاتی حمایت خود را از خیزش حق طلبانه و مردم خوزستان و مطالبات بر حق آنها اعلام کردند. در تجمع بازنشستگان شعارهایی نیز در حمایت از شرکت کنندگان در خیزش و رسیدگی به مطالبات آنها داده شد. گفتنی است که تعدادی از تشکلهای مستقل بازنشستگان نیز پیش از این بیانیه‌هایی در این خصوص انتشار داده بودند.

## اعتصاب کارکنان اورژانس در بوشهر

کارکنان اورژانس بوشهر در پنجم مرداد دوباره در اعتراض به پرداخت نکردن حقوق‌های امسال شان دست از کار کشیدند. آنها چندی پیش به خاطر پرداخت نشدن حقوق‌ها ایشان در بهمن و اسفند و ماه‌های سال جاری دست به اعتصاب زدند. بعد از آن اعتصاب مسئولین مجبور به پرداخت حقوق‌های دو ماه سال گذشته شدند و وعده دادند که حقوق‌های امسال را نیز به زودی به آنها بدهند. اما به وعده خود وفا نکردند و ۸۰ کارمند اورژانس دوباره به اعتصاب متوسل شدند.

## اعتراض کارکنان بیمارستان در کرج

کارگران و کارکنان بیمارستان خمینی واقع در کرج در روز ۴ مرداد با برپایی یک اجتماع اعتراضی خواستار پرداخت مطالبات مزدی پرداخت نشده شایگان و بازنشستگان شدند. معترضین علاوه بر آن خواستار تعیین تکلیف مالکیت بیمارستان و عدم واگذاری بخش قلب بیمارستان به بخش خصوصی شدند. گفتنی است که کارکنان این بیمارستان پیش از این نیز با برگزاری تجمعات بزرگی در کرج و مقابل بیمارستان دولت را وادار به توقف واگذاری بیمارستان به بخش خصوصی کرده بودند.

## اعتراض کارگران هپکو به واردات ماشین‌آلاتی که در هپکو تولید می‌شوند

به دنبال واردات تعدادی ماشینی آلات معدنی توسط دولت جهت استفاده در معادن دولتی، که مشابه آنها در این شرکت تولید می‌شود، کارگران این کارخانه نسبت به واردات آنها اعتراض کردند. کارگران در بیانیه‌ای که در خبرگزاری اینلنا نسخه‌ای از آن منتشر شد اعتراض خود را به این اقدام دولت مطرح کردند. گفتنی است که کارخانه هپکو در گذشته و پیش از اینکه توسط مدیران ویژه دولتی مرتبط با سازمان خصوصی سازی و واگذاری به افلاس کشیده شود و از تولید باز بماند یکی از تامین کنندگان اصلی ماشینی آلات ساختمانی، راه سازی و معادن بود. محصولات تولیدی این شرکت نیز بسیار با کیفیت و مطابق استاندارد کارخانجات بین‌المللی در این رشته بود. این کارخانه پس از مبارزات شدید کارگران پس از سالها ابتدا به دولت بازگردانده شد و سپس به تامین اجتماعی بابت بخشی از دیون دولت واگذار شد. انتظار می‌رفت که با تغییر مالکیت این کارخانه دوباره در مسیر گذشته خود به تولید و رونق باز



گردد، اما با موانع آشکار و پنهانی از طرف دولت و سازمان خصوصی سازی مواجه شده که این موانع همچنان ادامه دارند. علت اصلی مانع تراشی ها نیز بخاطر لغو خصوصی سازی هپکو است. وارد کردن ماشین آلاتی که با مخالفت کارگران مواجه شده بخشی از تلاشهایی است که می خواهد مانع رونق در این شرکت شود و واردات و دلالی را بر تولید ترجیح می دهد! این جریان بسیار قدرتمند و در عمل کنترل امور و سیاست گذاری اقتصادی را در دست دارد و تغییر دولتها نیز تا کنون به قدرتمندتر شدن نفوذ آن منجر شده است

## اعتراض بازنشستگان فولاد در اصفهان و خوزستان

بازنشستگان فولاد در اصفهان و خوزستان با برگزاری تجمع های تازه ای مقابل کانون های بازنشستگی خواستار اجرای همسان سازی و اختصاص بودجه عادلانه جهت اجرای آن شدند. خبر گزاری ایلنا که گزارش این تجمعات را در سوم مرداد منتشر کرد به نقل از بازنشستگان معترض نوشت: "این بازنشستگان، مهم ترین خواسته های خود را برخورداری از مستمری بالاتر از خط فقر، درمان رایگان و اصلاح احکام همسان سازی حقوق و انتقال از ردیف ۹ بودجه به ردیف ۷ عنوان کردند و گفتند: دولت مکلف به اجرای تعهدات و پرداخت مطالبات قانونی بازنشستگان فولاد مطابق آیین نامه معتبر فولاد است

بازنشستگان همچنین خواستار پرداخت به موقع هزینه های درمانی بازنشسته فولاد از بودجه های سنواتی، قرارداد درمان برابر آئین نامه استخدامی و دستورالعمل های فولاد، بیمه عمر و حوادث برابر دیگر واحدهای فولادی ... " شدند

**به سرکوب سندیکاها و تشکلات مستقل کارگری پایان دهید!**

**\* برای تماس با نشریه "جنگ کارگری" می توانید با آدرس زیر تماس بگیرید:**

**sabosob@gmail.com**

**\* "جنگ کارگری" نشریه گروه کار کارگری حزب چپ ایران (فدائیان خلق) را**

**می توانید در آدرس زیر ببینید:**

**<https://bepish.org/taxonomy/term/457>**